

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه مردم شناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: مردم شناسی

عنوان:

**تحلیل انسان شناختی فرهنگ در فضای شهری
مطالعه موردی منطقه ۱۱ شهرداری تهران**

استاد راهنما:

دکتر اصغر عسگری خانقاه

استاد مشاور:

دکتر عسگری نوری

پژوهشگر:

حبیب الله نورمحمدی

تابستان ۱۳۹۱

تقدیم به پدر، مادر و همسر مهربانم

و به پاس محبت آنان

به نام خداوند جان و خرد

تشکر و قدردانی :

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرمایند: "من بنده کسی هستم که چیزی به من می آموزد."

آموزش و پژوهش، دوخط موازی، جاده ی علم و عمل اند، که حرکت در این راه به واسطه آموزش مناسب استادان گرانقدرآن میسر می گردد.

از این روی تشکر و قدردانی خاضعانه خود را نثار استاد شهیر و گرانقدر **جناب آقای دکتر اصغر عسگری خانقاه**، استاد محترم راهنما می نماید که در انجام این تحقیق با شکیبایی خاص در این راه دستگیر این جانب بودند و با سپاس از مشاور عالم **جناب دکتر عسگری نوری** که در این مسیر علمی مرا یاری فرمودند. و احترام خود را نثار معلم بزرگوار **جناب دکتر محمد صادق فرید** استاد داور می دارم که قبول زحمت جهت داوری پایان نامه اینجانب به عهده این عالم گرانقدر بود .

همچنین تشکر و احترام خود را نثار تمامی استادان ارجمند گروه مرمتشناسی که از سل ۱۳۸۲ تا کنون از آنها آموخته ام، وخواهم آموخت، تقدیم می نماید.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب حبیب الله نورمحمدی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد نا پیوسته به شماره دانشجویی در رشته مردم شناسی که در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۳۰ از پایان نامه خود تحت عنوان فرهنگ در فضای شهری (مطالعه موردی منطقه ۱۱ تهران) با کسب نمره ۱۸ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

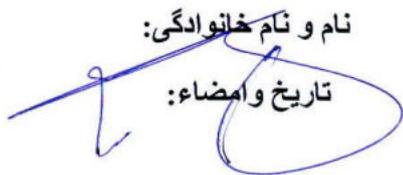
۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و..... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:



بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۳۰

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای **جبار نورمحمدی** از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره

بحروف **هجده** و با درجه **عالی** مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

دکتر اصغر عسگری خانقاه

چکیده:

بشر در زمان حاضر دوران مختلفی را از سر گذرانده و در هر دوره ای تحت تاثیر عوامل مختلف شرایط فرهنگی گوناگونی را تجربه کرده است. این شرایط فرهنگی از مولفه های گوناگونی مانند اختراعات، شرایط زمانی و مکانی، عوامل اقلیمی و نیاز های عمومی تاثیر پذیرفته تا به شکل امروزی درآمده است. اما نفس زندگی گروهی انسان جامعه و محیط یا فضای زندگی را به وجود آورده که شخصیتی به نوبه مستقل از بشر یافته است که این دو همواره در حال تاثیر و تاثر از یکدیگرند.

فضای زندگی از جمله عوامل همواره تاثیر گذار بر فرهنگ بوده که در شهر و روستا هر کدام نمودی متفاوت دارد. این موضوع همان چیزی است که گمان میکنیم صادق بوده و در این تحقیق قصد داریم با تکیه بر فضای شهری به تحلیل آن پردازیم.

این پژوهش با کمک مردم شناسی ژرفانگر و مشاهده ی مشارکت آمیز با مصاحبه های عمیق در یک خیابان، یک محله شهری، و یک بازار(که از مصادیق فضای شهریند) در منطقه ۱۱ شهرداری تهران نگارش شده سعی دارد تاثیر فضای شهری را بر فرهنگ مورد بررسی قرار دهد.

پژوهش حاضر پس از دقت نظر در خصوص گروه ها یا شبکه های فرهنگی و اجتماعی، نظام های ارزشی، شغلی و معیشتی، الگوهای رفتاری و کنش های فرهنگی را به میزان قابل توجهی تحت تاثیر ابعاد مختلف فضای شهری تشخیص داده شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، فضای شهری، رفتار، الگوهای فرهنگی، شهر.

فصل اول: کلیات طرح

۲	مقدمه.....	(۱-۱)
۴	بیان مسئله.....	(۲-۱)
۹	اهداف تحقیق.....	(۳-۱)
۱۰	اهمیت موضوع تحقیق.....	(۴-۱)
۱۳	سوالات تحقیق.....	(۵-۱)
۱۴	روش روش تحقیق.....	(۶-۱)
۱۵	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....	(۷-۱)
۱۸	جامعه مورد بررسی.....	(۸-۱)
۱۹	مشکلات تحقیق.....	(۹-۱)
۲۱	زمان تحقیق.....	(۱۰-۱)
۲۲	پیشینه تحقیق.....	(۱۱-۱)

فصل دوم: ادبیات پژوهش

۲۸	مطالعات نظری.....	(۱-۲)
۵۰	مفاهیم و کارکردها.....	(۲-۲)
۶۱	چهار چوب نظری.....	(۳-۲)

فصل سوم: یافته های پژوهش

- ۷۹..... (۱-۳) بازار موتور سیکلت.....
- ۸۴..... (۲-۳) تاریخچه موتور سیکلت در ایران.....
- ۸۷..... (۳-۳) سیر تاریخی بازار موتور سیکلت فروشان.....
- ۹۰..... (۴-۳) بازار موتور سیکلت فروشان در حال حاضر.....
- ۱۰۰..... (۵-۳) محله یا جزیره ثمرینی ها.....
- ۱۱۲..... (۶-۳) خیابان کارگر جنوبی.....

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل

- ۱۲۷..... (۱-۴) جزیره ثمرینی ها و اکولوژی فرهنگی.....
- ۱۳۰..... (۲-۴) خیابان کارگر جنوبی و نظریه های تقسیمات شهری.....
- ۱۳۲..... (۳-۴) بازار موتور سیکلت و مکتب فونکسیونالیست.....

فصل پنجم: نتیجه گیری

- ۱۳۵..... (۱-۵) نتیجه گیری.....

منابع

- ۱۳۷..... منابع:

فصل اول

کلیات

۱-۱) مقدمه:

بسیار اتفاق افتاده عموم مردم یا اندیشمندان حوزه های مختلف در خصوص اسارت انسان در دام اختراعات و اکتشافات خود سخن گفته اند. حتی در این خصوص به تالیف رمانها و داستانها و یا تولیدات سینمایی و تلویزیونی اقدام نموده اند به طوری که همگی آنها بر تفوق یا قدرت یافتن آفریده های آدمی بر خالق خود دلالت داشته اند. هر چند تمامی این موارد در وادی تخیل به وجود آمده، اما همگی گویای دغدغه انسانها در خصوص عوامل تاثیر گذار برزندگیش بوده است.

از طرفی یکجا نشینی انسان و سکونت وی در خانه های دائمی محیطی را به وجود آورده که بر اساس نیاز و خاصیت زندگی گروهی بافت سکونتی یا فعالیتی به خود گرفته و بنا به تعریف هر مکانی برای کاربری خاص تعریف شد است. کاربری های مختلف و شرایط مکانی و زمانی، وضعیتی برای بافت مذکور به وجود آورده که انسانهای ساکن را به شیوه های رفتاری، الگوهای عمل و به طور کلی فرهنگ خاصی سوق داده که گمان می رود تاثیر پذیرفته از فضای حاکم بوده است.

در فصل اول این پژوهش با بیان کلیاتی در خصوص فرهنگ در فضای شهری و ذکر اهمیت پرداختن به آن و طرح چند سوال جامعه مورد بررسی خود را معرفی نمودیم پس از آن در خصوص مشکلات پیش رو، زمان تحقیق و پیشینه آن سخن گفتیم. در فصل دوم با ذکر مطالبی در خصوص ویژگی های فضاهای شهر سعی کردیم از جزئی ترین فضا یعنی سطح، جداره و کف موضوع را در ذهن مخاطب خود پایه ریزی کنیم و سپس در خصوص عملکرد فضا سخن به میان آوردیم. نهایتاً از مصادیق فضا ارائه مطلب کردیم تا کارکرد و پتانسیل تاثیر گذاری فضا را کاملاً برای مخاطب خود روشن سازیم.

در بخش چهار چوب نظری نیز از آراء کارکرد گرایان، بوم شناسان فرهنگی و اکولوژیستهای فرهنگی استفاده کردیم تا چهار چوب تئوریک قابل اتکایی برای یافته های خود بسازیم.

در فصل سوم نیز با توجه به فضاهاى سه گانه ای که انتخاب کردیم توضیحاتی در خصوص بازار و کالای مورد مطالعه آن بحث آوردیم و در خصوص الگوهای فرهنگی حاکم بر آن و دو فضای دیگر مد نظرمان توضیح دادیم.

در پایان با تجزیه و تحلیل یافته ها به کمک چهار چوب نظری پرداختیم و نتیجه پژوهش صورت گرفته را ارائه نمودیم تا شاید توانسته باشیم در زمینه موضوع مورد مطالعه مطالب قابل اتکایی عرضه کنیم.

۱-۲) بیان مسئله:

فرهنگ هر ملت مجموعه باورها، اعتقادات، رسوم و... آن ملت است که هویت جامعه را شکل می دهد و معمولا جوامع به دنبال حفظ، تقویت و تداوم آن هستند. اما عوامل مختلفی وجود دارد که این هویت را تحت تاثیر قرار می دهد. در دوران حاضر جهانی شدن بسیاری از اختصاصات را تغییر داده و در اغلب موارد - اگر نخواهیم از کنار منافع آن به سادگی بگذریم - ترکیبی اعجاز آمیز ساخته که گاهی به هیچ عنوان قابل تجزیه به عناصر تشکیل دهنده خود نیست. به عنوان مثال مراسم، آرایش، پوشاک، معماری و... طوری با تحریفات درهم آمیخته که در بعضی موارد سبکی بدیع و شاهکاری بی مانند را خلق کرده و در بعضی موارد با چنان بی هویتی رو برو می شود که ریشه عناصر تشکیل دهنده آن قابل تمیز نیست. سبکهای جدید نقاشی که مجموعه ای است از وامهای مختلف از سبکهای کلاسیک، یا مراسم مختلف که ترکیبی از نمادها و نشانه های سنتی (مانند مراسم عزا داری محرم و استفاده از علم و کتل که ریشه در فرهنگ ایرانی دارد نه عربی و اسلامی) و تنوع و تکثر موجود در موسیقی (البته اگر از موارد خاص که چندان نمی توان برای آنها هویتی قائل شد بگذریم) از مصادیق نوع اول (آفرینش سبکی جدید) و آشفته بازار الگوهای کلامی و ارتباطی یا سبکهای ساخت و ساز و طراحی فضا و معماری را می توان از نوع دوم (بی هویتی محض) به حساب آورد.

اما مسئله تنها به این کلیات ختم نمی شود و عوامل تاثیر گذارنده بر هویت و فرهنگ تا جزئیات زندگی انسان ریشه دارد. در حال حاضر با برد تبلیغاتی بولتنهای خبری، شارش و تبادل فرهنگی، رابطه های انسان با تکیه بر وسایل مختلف ارتباط جمعی شرایطی ساخته که تغییر در ابعاد مختلف زندگی انسان و جامعه بدون چندان مقاومتی به وجود می آید. «جامعه تاریخ است زیرا دائما در حال

حرکت تاریخی است، خود را دگرگون می کند و همواره در حال دگرگون ساختن خود، اعضایش، محیطش و سایر جوامعی است که با آنها در ارتباط است. جامعه بدون وقفه نیروهای برونی و درونی که ماهیت، جهت و سرنوشت آن را تغییر می دهد، ایجاد کرده و پذیرای آنها شده و یا آنها را تحمل می کند» (روشه، ۱۳۶۸، ص ۱۵)

بنابراین با توجه به زندگی اجتماعی انسان، تمامی وجوه زندگی او از این قائده پیروی می کند. انسان در ادوار مختلف انواع مختلفی را از نظر شیوه های سکونت تجربه کرده است که زندگی شهری یکی از این نوع سکونت هاست. شهر و اجزا آن به عنوان ظرف فعالیتهای انسان، محلی است که بسیاری از امور اجتماعی مربوط به انسان را در خود جای داده و خود نیز با ابنیه و فضاهای خود معرف همین امور فرهنگی است. بدین معنی که با تعریف شهر به عنوان یک ساختار و با در نظر گرفتن عناصر و دگرگونی های خاص یک ساختار می توان گفت شهر با تغییراتش بر اطراف خود تاثیر می گذارد و به این شکل موجودیت خود را تثبیت می نماید. از طرف دیگر عناصر تشکیل دهنده این ساختار و در راس آن انسانها با مجموع رفتارها، آداب، رسوم و شخصیت فردی و اجتماعی خود بر کلیت ساختار تغییراتی را تحمیل می کنند. «در واقع انسان در درون شبکه ای از روابط اجتماعی و فرهنگی زندگی می کند و مسکن و بناها در شکل دهی و باز تولید این روابط نقش اساسی دارند» (عسگری خانقاه، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴) به معنی دیگر شهر تبلور وضعیت فکری و هنری اهل خویش است.

فضای شهری از طریق فرایندهای طبیعی، نظام یافته است و انسان، شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه آن را شکل می دهند. فضاهای شهری حامل و آینه فکر، فرهنگ، طبیعت و منعکس

کننده طیف اهداف اجتماعی، فناوری، ارزشها و نهادهای انسانی و تاثیر گذارنده بر آنها است. «تبیین تغییرات و تفاوت‌های فضایی انسان مستلزم در نظر گرفتن مجموعه ای از عوامل فرهنگی است. به اعتقاد جغرافی دانان فرهنگی، تمام اشکال فرهنگی، فضای در هم تنیده ای را پدید می آورند. به طور خلاصه، فرهنگها مجموعه ای از ویژگیهای با هم مرتبط و کلیتی پیچیده اند و به عنوان واحدهای در هم تنیده که تمام بخشها و قسمت‌هایشان به صورت کلی با یکدیگر مرتبط هستند، در نظر گرفته می شوند. این مفهوم بدین معناست که علل بلافصل برخی از پدیده های فرهنگی، علل دیگر پدیده‌های فرهنگی نیز هستند. در هم تنیدگی فرهنگی مفهومی ایستا نیست. چرا که تغییر در یک عنصر مستلزم تغییرات تبعی در دیگر عناصر است. برای درک در هم تنیدگی و ارتباط میان عناصر یک فرهنگ، توزیع یکی از اشکال و خصیصه های فرهنگی بدون مطالعه تغییرات دیگر اشکال و خصیصه های آن فرهنگ غیرممکن است.» (جردن و راونتري، ۱۶، ۱۳۸۰)

فضاهای شهری با تاثیر و تاثر خود بر امور فرهنگی از دیر باز نقش مهمی بر فراهم آوردن محیطی مناسب برای تعریف آرمانهای انسان به عهده داشته اند تا انسان بتواند در محیط امکان وصول به غایت را کسب کند. بعدا در خصوص محیطی که بتواند امکان رسیدن به غایت را برای انسان مهیا کند و یا بتواند بر فرهنگ تاثیر گذار باشد را ذیل تعاریفی که از نظریه محیط شناسی فرهنگی یا انسان شناسی محیط شناختی بیان می کنیم. اما با نگاهی گذرا تشابه فضاهای یکسان با وضعیت فرهنگی آنها قابل شناسایی است به همین علت است که گمان می رود فضاهای شهری هر کدام موید نوعی فرهنگ خاص بوده که هر کدام در جای خود جای بررسی و کاوش دارد.

موضوع فضای شهری و عوامل مربوط به آن از جمله موضوعاتی است که مورد توجه بسیاری از رشته های دانشگاهی قرار گرفته است. رشته هایی مانند معماری، برنامه ریزی شهری، مدیریت و غیره با حوزه های مطالعاتی مختلفی از جمله زیبایی شناسی، روان شناسی محیطی، طراحی شهری و غیره به موضوع فضای شهری پرداخته اند. متخصصین رشته های دیگر مانند جامعه شناسان، جغرافی دانان، روانشناسان، اقتصاد دانان و سیاست مداران که اغلب به تازگی در تحلیل و طراحی فضاهای شهری دخالت داده شده اند (البته در کشور ما) و هر کدام به نحوی به تحلیل فضاهای شهری پرداخته اند. با وجود اینکه این رشته ها و گرایشات همگی از یک تعبیر واحد با عنوان "تحلیل فضاهای شهری" استفاده کرده اند، هر کدام به شیوه و روشهای متفاوتی این موضوع را مورد کنکاش قرار داده اند که می توان آنها را نگرش هر یک از این علوم به فضاهای شهری دانست.

به بیان دیگر انسان فی نفسه میل وصال به آرزوهایش را دارد و در این رهگذر از کلیه امکانات ممکن سود خواهد جست. به طوری که اصلی ترین فعالیتهايش را در راه نیل به این آرزو ها خواهد گذاشت. به همین دلیل است که در مراسم، بازیها، پوششها، هنر، معماری و دیگر وجوه زندگی افراد می توان آثاری از آرزوهایش را به وضوح دید. این فرض در شکلی تعمیم یافته به طراحی و ساخت فضاها نیز قابل تسری است. «انسان در انطباق با محیط طبیعی خویش و به منظور زندگی و معیشت بهتر، دست به تغییراتی در محیط طبیعی می زند. از تعامل بین انسان و محیط طبیعی، فرهنگ با تمامی عناصر متنوع آن زاییده می شود، وجودی مستقل می یابد و بر انسان و رفتار او تاثیر می گذارد»

(عسگری خانقاه، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴)

به عنوان مثال برای اجرای مراسم مذهبی فضایی خاص این نوع فضا، با خصوصیتی که شایستگی اتفاقات ما وقع را داشته باشد، خلق می کند. در این صورت است که فضا کارایی لازم را دارا بوده و محیط سالم و مهبیایی برای ظهور فعالیتها، با کارکرد مثبت به وجود می آورد. این موضوع فضایی با پتانسیلی حداقل برای به فعلیت رساندن توانایی عناصر موجود در خود را نیز به ذهن متبادر می سازد. این نوع فضاها در شرایط متضاد با انسان قرار خواهند گرفت و در تعارض بین این دو احتمال به وجود آمدن کژ کارکردها،

آسیبها و در شرایط حاد ظهور پدیده های اجتماعی منفی مانند فقر فرهنگی، روان پریشی های اجتماعی و عدم قرابت با محیط به وجود خواهد آمد.

از منظری دیگر می توان ادعا کرد کیفیت فضاهای شهری، نتیجه تعامل میان فرهنگ انسانی و ویژگیهای محیط طبیعی است. بر این اساس فرهنگ عاملی تعیین کننده در شکل گیری فضای شهری است و در ریخت شناسی فضایی توجه به فرهنگ اهمیت اساسی دارد. از آنجا که هر ساخت و سازی در فضای شهری برخاسته از طرز تفکر برنامه ریزان مردم شهر است؛ آنها بر پایه سطح فرهنگ و اندیشه های شان دست به خلق آثار می زنند و این خود برتاثیر پذیری فضای شهری از فرهنگ و (بالعکس) صحنه می گذارند. از طرفی «باید به جدایی ناپذیری انسان از بنا اشاره کرد. در حقیقت این انسان اجتماعی و فرهنگی است که شکل خاصی از مسکن با فضاهای ویژه اش، نوع خاصی از گذرها، محله ها و... را خلق کرده و در آن می زید.» (عسگری خانقاه، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳)

۱-۳ اهداف تحقیق:

تشکیل فضا های شهری در محیط انسانی با توجه به تغییر شکل معمول و جا افتاده محیط، به نسیبه باعث از هم گسیختگی موقت اجتماعی می شوند که اگر روح فضا با در هم تنیدگی فرهنگ به صورت هماهنگ و سازگار ظاهر شود؛ از هم گسیختگی به وجود آمده به نظم مبدل خواهد شد و فضای جدید به تعالی جامعه کمک خواهد کرد در غیر این صورت باعث تغییر در ساختار فرهنگ خواهد شد که می تواند موجب بحرانهای اجتماعی از جمله بی هویتی فرهنگی در جامعه شود.

هدف از انجام این تحقیق شناسایی و مقایسه فرهنگ و گونه های مختلف رفتار در فضاهایی متفاوت است. این موضوع نیز لازم به ذکر است که فضای مورد مطالعه ما شکلی تغییر یافته از اشکال متقدم خود است که همین تغییر و گذر زمان نیز باعث تغییر فرهنگ جامعه شده و موضوع مطالعه ما نیز می باشد. همچنین در این تحقیق بر آنیم تا با شناسایی امور فرهنگی مختلف - که به نوعی زائیده یا متأثر از فضا هستند - نحوه تاثیرات فضا بر فرهنگ را رصد نماییم.

۱-۴) اهمیت موضوع تحقیق :

مسئله انطباق انسان با محیط زیست پدیده‌ای جدیدی نیست و همیشه تعامل با محیط وجود داشته است، اما نمی‌توان این قضیه را انکار کرد که ماهیت این مناسبات تغییر کرده است. دلیل اهمیت و پرداختن به محیط زیست این است که در ۵۰ سال گذشته انسان به جایی رسیده که می‌تواند کارهای شگفت‌انگیزی انجام دهد و خود را در وضعیت بی‌سابقه و منحصر به فردی قرار داده به طوری که می‌تواند کره زمین را نابود کند. بشر در موقعیتی قرار گرفته که نمی‌تواند محیط زیست خود را باز تولید کند و نیاز به کمک دارد. حتی می‌توان قضاوت کرد بسیاری از نا هنجاری های انسان به نوعی نتیجه‌ی انحراف و به هم ریختگی تعاملی بین محیط و فرهنگ می‌باشد. امروزه اصطلاحاً و به شکل نمادین گفته می‌شود که «زمین بیمار شده و نیاز به عصا دارد». البته پر واضح است که موضوع بحث ما فاصله بسیار زیادی با حوزه مطالعاتی محیط زیست دارد. اما به هر حال تعامل و موانست انسان با فضا آن هم در هر مقطع مکانی مانند فضاهای شهری زیر مجموعه ای از مطالعات محیط زیست به معنای عام آن دارد. زیرا محیط شناسان فرهنگی با کمک بزرگترین نظریه پردازان زیستی به تبیین مبانی حوزه مطالعاتی خود پرداخته اند. تا جایی که در حوزه محیط شناسی فرهنگی با طرح نظریه‌ی بوم شناسی فرهنگی، در مقطع زمانی خاص، تحولی نو در حوزه مطالعه ارتباط انسان با محیط اطرافش به وجود آمد.

هر چند که محیط شناسی فرهنگی در تداوم و توسعه‌ی خود به مادی‌گرایی فرهنگی انجامید، اما مقرون به ثواب نخواهد بود چنانچه با این ذهنیت از اهمیت مطالعات صورت گرفته بکاهیم. مهم ترین دست آورد اندیشمندان این حوزه تا حدی است که دیگر نمی‌توان گفت، بحث بر سر تبیین نوع

رابطه بین فرهنگ و محیط است چرا که تقریباً این امر، بدیهی به نظر می‌رسد که تعاملات دوسویه و پیچیده‌ای بین این دو حوزه وجود دارد. در حال حاضر نحوه‌ی مدیریت این تعاملات و روابط و توجه به پیامدهای اجتماعی آن مورد اهمیت است.

حال، سوال اینجاست: نظر به اینکه محیط زیست (به معنای عام) توانسته است خود را در عرصه‌های مختلفی حتی در سیاست، به مشخصه ظهور بگذارد و بعنوان مثال تا اندازه‌ای مهم شده است که محل مناقشه میان کاندیداهای ریاست جمهوری در آمریکا واقع شود و یا اهمیت این امر در پروژه‌های فرا منطقه‌ای به جایی رسیده که دیگر امکان چشم‌پوشی از ملاحظات زیستی و زیست محیطی آن نیست، آیا می‌توان با یک نگرش خاص از محیط زیست، حرکت کرد؟

به نظر می‌رسد که امروزه محیط زیست به قدری مهم است که به یک هویت تبدیل شده و از همین جاست که انسان شناسی می‌تواند به نحو بارزی نقش خود را ایفا نماید. کما اینکه در نظریه‌های متأخر نقش و افکاری از انسان محوریت یافته که با عقاید زیست محیطی و رویکردهای انسان شناختی و اجتماعی، فرآیند هویت سازی را تحلیل می‌کنند. مسلم است که چنین تأثیرگذاری‌هایی مستلزم اتخاذ نگرش‌های تلفیقی، چند لایه‌ای، بین رشته‌ای می‌باشد.

مطلب فوق در مورد شهرها نیز صادق است به طوری که آنچه گفتیم با شکل شهرهای کنونی این مفهوم را به ذهن متبادر می‌کند که به دلیل همگرایی بصری هویت شهرها در معرض تهدید قرار دارند. بدین معنا که حتی شهرها به قیمت از دست دادن ویژگیهای منحصر به فردشان به پذیرش ظاهر مشابهی تمایل دارند که می‌توان آن را نوعی همگرایی بصری نامید. این همگرایی بصری عمدتاً از وجوه اشتراک در مسائل ساختمان سازی نظیر فن احداث، تأمین نیازها، فضا و سبک معماری ناشی